

The Lived Experiences of Naswār Abuser Adolescents

Amir Soltaninejad*: Ph.D. of sociology , Farhangian university, Kerman, Iran. amirsoltan59@gmail.com

Adibeh Barshan: Ph.D. of assessment and measurement, Tehran university, Tehran, Iran. adibehbarshan@gmail.com

Asma Baniasad: Ph.D. student of social work, department of social work, university of social welfare and rehabilitation sciences, Tehran, Iran. baniasad.asma@yahoo.com

Saadat Shamsadini: M.A. of educational research, Farhangian university, Kerman, Iran. saadat8723923@gmail.com

Ali Sadeii: Assistant professor, department of sociology, Farhangian university, Tehran, Iran. alisadei90@gmail.com

Abstract

Introduction: Drug addiction has been one of the most important health and social crises in recent decades. One of the types of addiction that is prevalent among adolescents today is the addiction to Naswār, with the increasing youth tendency towards Naswār, the purpose of the present study was to investigate the lived experiences Naswār abuser adolescents.

Methods: This study was carried out in a qualitative way and the phenomenological method was used. Participants were selected among the youth of Kerman. Twenty participants were selected through purposeful sampling. Data collection method was a semi-structured interview that was rewritten with the consent of the participants and analyzed by Colaizzi method.

Results: During the process of reviewing the lived experiences of Naswār abuser adolescents, two main themes with three contexts each were extracted; the main theme of personal factors with three contexts "sensual seduction, misassumption, risk taking and looking for excitement" and the main theme of social factors, with three contexts "family problems, availability of drug, and influenceability by peers".

Conclusions: By describing the determinants of Naswār consumption, in addition to individual factors; this study found social factors as an important factor to such behaviors. Therefore, it is suggested to the national authorities to address this problem as an urgent and health priority; by using effective methods to educate and inform adolescents and their families about the side effects of Naswār; by facilitating suitable and accessible pastime; and by using life skill classes to teach them how to say no to drugs.

Keywords

Naswār

Sensual Seduction

Misassumption

Risk Taking and
Looking for Excitement

*Corresponding Author
Study Type: Qualitative
research

Received: 12 Jul 2017

Accepted: 05 Jun 2018

Please cite this
article as follows:

Soltaninejad A, Barshan A, Baniasad A, Shamsadini S, and Sadeii A. The lived experiences of Naswār abuser adolescents. Quarterly journal of social work. 2018; 7 (2); 23-31

تجربه زیسته جوانان از مصرف ناس

امیر سلطانی نژاد*: دکتری جامعه شناسی، دانشگاه فرهنگیان کرمان، کرمان، ایران. amirsoltan59@gmail.com

ادیبه برشان: دکتری سنجش و اندازه گیری، دانشگاه تهران، تهران، ایران. adibehbarshan@gmail.com

اسما بنی اسد: دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی، دانشگاه توانبخشی و علوم بهزیستی، تهران، ایران. baniasad.asma@yahoo.com

سعادت شمس الدینی: کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه فرهنگیان کرمان، کرمان، ایران. saadat8723923@gmail.com

علی سادی: استادیار دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. alisadei90@gmail.com

واژگان کلیدی

ناس

جذابیت‌های حسی

باور غلط

ریسک و هیجان خواهی

چکیده

مقدمه: اعتیاد به مواد مخدر، طی دهه اخیر یکی از مهمترین بحران‌های بهداشتی و اجتماعی بوده است. یکی از انواع اعتیاد که این روزها در بین جوانان رواج یافته، اعتیاد به ناس است. با توجه به افزایش گرایش جوانان به ناس، هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه‌های زیستی جوانان از مصرف ناس بود.

روش: این مطالعه به شیوه کیفی انجام گرفت و در آن از روش پدیدارشناسی استفاده شد. جامعه پژوهش را جوانان شهر کرمان تشکیل داده‌اند. بیست شرکت‌کننده با روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختار یافته بود که با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط و بازنویسی شد و به روش کُلیزی تجزیه و تحلیل گردید. **نتایج:** در طی فرایند بررسی تجربه‌های زیسته جوانان از مصرف ناس مضمون اصلی عوامل فردی با سه درون مایه "جذابیت‌های حسی، باور غلط و ریسک و هیجان خواهی" و مضمون اصلی عوامل اجتماعی با درون مایه‌های "مشکلات خانوادگی، در دسترس بودن و تاثیر پذیری از همسالان" استخراج گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: این پژوهش با توصیف عوامل تعیین‌کننده مصرف ناس، ریشه‌های چنین مصرفی را علاوه بر عوامل فردی به عوامل اجتماعی نیز مرتبط می‌داند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد مسئولین کشوری به این مشکل به صورت یک فوریت و اولویت بهداشتی توجه نمایند و ضمن استفاده از روش‌های موثر جهت آموزش و آگاه نمودن مردم و خانواده‌ها از عوارض مصرف ناس و برنامه‌ریزی جهت فراهم نمودن سرگرمی‌های مطلوب و در دسترس برای جوانان، با برگزاری کلاس مهارت‌های زندگی، نه گفتن را به جوانان آموزش دهند تا مصرف این ماده مخدر کاهش یابد.

* نویسنده مسئول
نوع مطالعه: پژوهش کیفی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۵

امیر سلطانی نژاد، ادیبه برشان، اسما بنی اسد، سعادت شمس الدینی و علی سادی. تجربه‌ی زیسته جوانان از مصرف ناس: یک مطالعه کیفی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۷؛ ۷ (۲): ۳۱-۲۳

نحوه استناد به مقاله:

مقدمه

اعتیاد به مواد مخدر، طی دهه اخیر یکی از مهمترین بحران‌های بهداشتی و اجتماعی بوده است. یکی از انواع اعتیاد که این روزها در بین جوانان رواج یافته، اعتیاد به ناس است. ناس ماده‌ای سبز رنگ است که در ظاهر گیاهی به نظر می‌رسد، اما افزودنی‌های خطرناک زیاد دیگری نیز دارد. این ماده از برگ تنباکوی خشک شده به دست می‌آید و فروشندگان پس از کوبیدن، آن را با آهک مخلوط کرده و پخش می‌کنند. همچنین باهدف ترغیب و وسوسه افراد از طعم‌دهنده‌های غیرمجاز استفاده می‌کنند. به علت داشتن آهک در ترکیبات این ماده، موجب عدم تعادل رفتاری و حرکتی، حرکات غیرطبیعی در چشم‌ها، سرطان لثه، سرطان روده بزرگ، سرطان حنجره و... می‌گردد. (۱ و ۲) این ماده مخدر تأثیرات جبران‌ناپذیری روی بدن دارد و می‌تواند در طولانی مدت مشکلات زیادی را ایجاد کند. از آنجا که عوامل متعددی بر مصرف این ماده تأثیر می‌گذارد، یافتن نظریه‌هایی کارآمد که بتواند دلایل مصرف را در یک چارچوب مفهومی تبیین کنند دشوار است. با اندکی تسامح این نظریه‌ها ذیل عنوان کلی "واکنش‌گرایی اجتماعی" ارائه می‌شود. مقصود آن است که مصرف در "واکنش" به عوامل فردی، ذهنی و محیطی روی می‌دهد. دسته‌ای از این آرا در حوزه آسیب‌شناسی و انحرافات اجتماعی، مصرف را نوعی واکنش به عوامل محیطی و پیرامونی یا فشارهای خارج از فرد می‌دانند. از منظر ادوین سادرلند، رفتار مجرمانه از طریق تعامل با دیگران آموخته می‌شود. مقصود از آموختن بودن رفتار مجرمانه، آن نیست که ارتباط صرف با مجرمان منتهی به عمل مجرمانه می‌شود، بلکه این محتوای الگوهای ارتباطی است که می‌تواند از یک فرد به فرد دیگر متفاوت گردد. این نظریه مبتنی بر چند عامل محیط اجتماعی، افراد پیرامونی و ارزش‌هایی است که افراد از "دیگران مهم" کسب می‌کنند. (۳) یورگن هابرماس ۲۰۰۵ یکی از مولفه‌های جامعه مدرن را متکی بر اجبار و سرکوب می‌داند و این موضوع را هم در سطح ساختاری و کلان و هم در بعد فردی مربوط به کنشگر به تحلیل می‌کشد. در اینجا است که فرد تلاش دارد به کمک باز اندیشی، موانع را به چالش کشد. درواقع کنش ارتباطی تحت وجه اجتماعی کردن، به کار شکل دهی هویت شخصی جوانان یاری می‌رساند. چنین فرایندی به انعطاف‌پذیری و باز اندیشی فردی می‌افزاید و فرد می‌تواند باورهای قالبی و کلیشه‌های رایج را به عنوان هنجارهای اجتماعی مورد سوال قرار دهد. از این رو، هابرماس امکان موجود در جامعه مدرن را رهایی بخشی انسان، به خصوص جوانان می‌داند. جوانان مجال بیشتری برای ساخت و پرداخت و عرضه خود پیدا می‌کنند. (۴) در نتیجه باید گفت، آنچه را که در مباحث هابرماس برجسته است، توجه ویژه به آن رفتارهای چالشی و هدفمند جوانانی است که در برابر باورهای کلیشه‌ای و نادیده گرفته شدن، انجام می‌دهند. آنتونی گیدنز از دوران مدرن با نام جامعه پسا سنتی با حق انتخاب بیشتر یاد می‌کند. وی هم‌راستای هابرماس، معتقد است زمانی که سنت نتواند برای افراد کاری انجام دهد، ترکیبی از رهایی و نگرانی شکل می‌گیرد. در نتیجه خطر و ریسک در زندگی امری محتمل خواهد بود. این‌ها همه مبتنی بر به وجود آمدن جامعه ریسکی است که در متن آن فرد می‌تواند حتی در مورد جان خود نیز خطر کند. ادامه این اعمال ممکن است نشانه نوعی بی‌باکی اقناع‌کننده فردی باشد. (۵) مانوئل کاستلز نقش‌های تعریف شده را ساخته دست نهادهای مسلط جامعه می‌داند، اما همین هویت‌های نقشی، ضمن این که منبع معنا برای خود کنشگران است، به دست خود آن‌ها نیز از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن ساخته می‌شود. آنچه از بحث‌های کاستلز مرتبط با موضوع این پژوهش است، نوع رویکرد وی به موضوع هویت و رابطه با قدرت است. کاستلز، ساخت اجتماعی هویت را همواره در بستر روابط قدرت می‌یابد و بین سه صورت و منشا ساختن هویت تمایز قائل می‌شود. "هویت مشروعیت بخش: توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه آن‌ها بر کنشگران اجتماعی گسترش دهد و عقلانی کند. هویت مقاومت: به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و احوال و شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه بی‌ارزش دانسته می‌شوند، چرا که متضاد با اصول مورد حمایت نهادهای جامعه هستند. هویت برنامه‌دار: کنشگران از طریق مواد و مصالح فرهنگی قابل دسترس، هویت جدیدی می‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کند. (۶)

با عنایت به این که نوع رویکرد ما به مصرف ناس، لحاظ نمودن روش پدیدار شناختی مبتنی بر ذهنیت کنشگران است، این مقوله در میان بررسی‌های انجام‌شده، قابل ردیابی نیست. تاملی بر پژوهش‌ها، آثار و مقالات علمی گویای غلبه نگاه کمی، است. بنابراین این بررسی می‌تواند تلاش پیشگامی در زمینه شناسایی این تجربیات باشد. از این رو پیشینه چندان‌ی درباره این موضوع به دست نیامد. اما به تعبیرهای آن دسته از پژوهش‌ها که قرابتی با موضوع مورد نظر داشته‌اند و مورد توجه

قرار گرفته‌اند اشاراتی می‌شود.

ناس را در بین جوانان مدنظر قرار داده باشد، طراحی نگردیده است. بر این بنیان پرداختن به چرایی و علل مصرف ناس بر اساس منابع و پرداخت‌های نظری و پرسش از وضعیت این مسئله و عوامل تشدید کننده و یا کاهنده آن افق دیگری به روی ما باز خواهد کرد. آنچه از اهمیت شایانی برخوردار است، شناخت به‌روز آسیب‌ها و بیماری‌های فرهنگی - اجتماعی به‌منظور پیشگیری، درمان و ممانعت از سوق یابی فزاینده به سوی بحران اجتماعی است. لذا، مسئله پژوهش، تلاش در جهت شناسایی همبسته‌های موثر بر مصرف ناس با استفاده از روشی کیفی و ورود به دنیای تجربه زیسته جوانان از داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با آن‌ها است.

با روش کیفی علل گرایش نوجوانان ارومیه به سیگار به شیوه جمع‌آوری اطلاعات گروه متمرکز به روش نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته مورد واکاوی قرار گرفته است. مضامین مطرح از دید پژوهشگران البته بدون رعایت مراحل دستیابی به مضامین اصلی، رفع عصبانیت، کنجکاوی، احساس شخصیت، ترس طرد از گروه، رفع عصبانیت، کنجکاوی، تاثیر محیط، تقلید، احساس خوشی و نشاط، لجاجت و مخالفت با روش‌ها و سخت‌گیری‌های والدین، عشق زود هنگام، تحریک صحیح ناخواسته از طرف والدین، وجود افراد سیگاری در خانواده، رفع تنهایی، اعتراض به مدیران و مسئولان اجتماعی می‌باشند. (۷) نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه مصرف مواد مخدر نشان داد که این تحقیقات بیشتر مربوط به دخانیات و مواد مخدر صنعتی بوده و با وجود اینکه ناس یک ماده سرطان‌زاست و باعث افزایش فشارخون و حمله قلبی می‌شود، تحقیقات اندکی در زمینه این ماده سرطان‌زا انجام گرفته است (۸، ۹، ۱۰ و ۱۱) و هنوز الگویی تبیین‌کننده، که ابعاد مختلف مصرف

روش

مطالعه حاضر جهت درک تجربه مصرف‌کنندگان ناس با استفاده از روش پدیدارشناسی در سال ۱۳۹۵ انجام شد. نمونه‌گیری بر روش هدفمند انجام گردید. مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته با بیست نفر در رده سنی هفده تا بیست و پنج سال در یک الی سه جلسه تا اشباع اطلاعات ادامه یافت. جمع‌آوری داده‌ها طی مدت زمان چهل و پنج الی صد دقیقه در پارک‌های شهر کرمان به‌صورت گفتگوی دو طرفه انجام گردید. معیار ورود به مطالعه شامل جوانانی بود که علاوه بر مصرف روزانه ناس و رضایت از شرکت در مصاحبه، توانایی بیان تجارب زیستی خود را داشته باشند. قبل از شروع مصاحبه ضمن تشریح هدف تحقیق و اطمینان دادن به محرمانه ماندن اطلاعات، اجازه ضبط مصاحبه‌ها از مشارکت‌کنندگان گرفته شد. مصاحبه‌ها با سوالات بازی همچون: تجربه خود را در مورد مصرف ناس بگویید، چرا ناس مصرف می‌کنید؟ آغاز شد. سپس سوال‌های بعدی برای ادامه و کامل شدن مصاحبه‌ها و دست‌یابی به داده‌های غنی‌تر بر اساس نوع پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان مطرح گردید. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از هفت مرحله گلیزی صورت گرفت، که ابتدا توصیفات همه شرکت‌کنندگان به‌منظور هم‌احساس شدن با آن‌ها خوانده شد. سپس به هر کدام از یادداشت‌ها رجوع و عبارات مهم استخراج گردید. معنی یا مفهوم هر عبارت مهم در سومین مرحله، شکل گرفت که تحت عنوان مفاهیم تنظیم‌شده مطرح شد. در چهارمین گام، مفاهیم تنظیم‌شده، درون دسته‌های موضوعی سازمان‌دهی شد. یافته‌ها در گام بعدی به درون یک توصیف جامع از پدیده مورد نظر تلفیق شد. در مرحله ششم، توصیف جامع از پدیده مورد تحقیق به شکل یک بیانیه صریح و روشن به‌دست آمد. گام معتبر سازی نهایی، بر اساس ملاک‌های اعتبار و قابلیت اطمینان مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات هر مصاحبه پس از تجزیه و تحلیل، جهت بررسی اعتبار در اختیار شرکت‌کنندگان برای بازبینی و تأیید قرار داده شد. برای بررسی قابل اطمینان بودن یافته‌های مطالعه حاضر شامل مضمون‌های اصلی و زیرمجموعه‌ها، از نظر پنج جامعه‌شناس استفاده گردید.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در نهایت، منجر به شکل‌گیری دو مقوله اصلی تحت عنوان عوامل فردی و عوامل اجتماعی و چندین زیر مقوله شد که در جدول شماره یک ارائه شده است. عاملیت فردی، ناظر بر کنشگر نیتمندی با توانایی و قدرت ویژه است که ساخت‌ها در اعمال اجتماعی او بروز می‌کند. در چهارچوب گفتمانی گیدنز، عامل‌ها با بی‌اعتنایی و بازسازی امور، ساخت‌ها را قابل تغییر و جایگزین می‌کنند. (۱۲) عوامل اجتماعی ناظر بر ساز و کارهای متأثر از زندگی نظام اجتماعی بوده

است که در ادامه به شرح هر یک پرداخته می‌شود.

مقوله اصلی: ۱- عاملیت فردی —

مقوله فرعی: ۱-۱- جذابیت‌های حسی: جذابیت‌های حسی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن مصرف‌کنندگان مواد از مصرف آن حالت سرخوشی، نشئگی، شادی و آرامش دارند. بر طبق نظریه زیست‌شناختی برخی افراد از نظر فیزیولوژیک استعدادی دارند که موجب می‌شوند در مقایسه با دیگران از مصرف مواد لذت بیشتری ببرند و همین استعداد باعث اعتیاد آن‌ها می‌شود. (۳) اعتقاد مشارکت‌کنندگان این بود که هنگام مصرف ناس همه سختی‌ها و مشکلات را فراموش می‌کنند و نوعی فراموشی به سراغ شان می‌آید. جوانی بیست ساله اظهار داشت که: "احساس خوشی داری، وقتی ناس می‌ذاری، انگار یه چیزی کم داری که با گذاشتنش جبران میشه و اون وقت آروم می‌گیری..." "وقتی ناس می‌ذاری اولش یکم دهنو به هم می‌کشه اما بعدش خیلی حال می‌ده، من هر وقت خستم یا اعصابم خورده ناس می‌ذارم."

مقوله فرعی: ۱-۲- باورهای غلط: انسان موجود کنجکاوی است که در مواجهه با هر رویداد و اتفاق جدیدی به دنبال کشف آن است. یکی از این کنجکاوی‌ها که در نسل جوان دیده می‌شود اعتیاد به مصرف مواد مخدر است که به لحاظ سنی نوجوانان و جوانان نسبت به آن کنجاوی بیشتری دارند. تجربه برخی از این کنجکاوی‌ها به اندازه‌ای مخرب و ویرانگر است که راه بازگشت ندارد. یکی از عوامل موثر در کنجکاوی و استفاده از مواد مخدر، باورهای غلط است. باورهایی همچون، "هیچ کس با یک بار مصرف معتاد نمی‌شود"، "مصرف مواد باعث افزایش نیرو و توان می‌شود." و "مواد را به صورت تغنی مصرف می‌کنم و هیچ‌گاه معتاد نمی‌شوم." که زمینه‌ساز اعتیاد به مواد مخدر شده است، مصرف ناس نیز از این قاعده مستثنی نیست.

(۱۳) بیشتر مشارکت‌کنندگان عقیده دارند که مصرف ناس به عنوان یک اعتیاد محسوب نمی‌شود و فقط یک عادت روزمره است که هرروزه تکرار می‌شود. همچنین آنان معتقدند که ناس اعتیادآور نیست و فراوانی مشاهده افراد مصرف‌کننده موجب کاهش قباح و بدی این کار گردیده است: "ناس که جزء مواد مخدر نیست که به خاطر مصرفش بخوان دستگیرت کنن، ناس یه چیزی مثل آدامسه..." دیگری بیان داشت: "ای بابا این روزا همه ناس می‌ذارن، چرا ما نذاریم، دنیا دو روزه، باید حال کنیم."

جدول (۱) مقوله‌های اصلی و فرعی حاصل از مصاحبه‌ها	
مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی
عوامل فردی	جذابیت‌های حسی
	باور غلط
	ریسک و هیجان خواهی
عوامل اجتماعی	مشکلات خانوادگی
	در دسترس بودن
	تاثیرپذیری از همسالان

مقوله فرعی: ۱-۳- ریسک و هیجان خواهی: هیجان خواهی تحت عنوان تمایل به انتخاب و ترجیح تجربه‌های جدید، محرک یا مهیج تعریف می‌شود و یک عامل خطر درونی برای رفتار بزهکارانه است. مقوله ریسک و مخاطره بخشی از تلاشی است که می‌توان به منظور دریافت شیوه‌های پاسخگویی جوانان به مجموعه‌ای از شرایط تهدیدآمیز از آن استفاده کرد. (۱۳) جامعه مخاطره‌آمیز کنونی، هم جوانان را به نحو فزاینده‌ای درگیر زندگی شخصی نموده و هم پرشدت آسیب‌پذیری آن‌ها افزوده است. امروزه جوانان با مخاطراتی سروکار دارند که به لحاظ اجتماعی، اخلاقی و از حیث پیامدها با مخاطراتی که نسل‌های پیشین با آن‌ها مواجه بوده‌اند، تفاوت دارد. به قول اولریش بک، مشکل اساسی جوامع امروزی عدم توانایی به حداقل رساندن ریسک‌ها است. از این رو جوانانی که در این جوامع زندگی می‌کنند؛ آگاهی و پیوندی گسست ناپذیر با ریسک‌ها می‌یابند (۱۴) و علاقه‌مندند در ساحت‌های گوناگون اجتماعی با آن مواجه شوند. لذا هیجان خواهی بدل به یکی از جنبه‌های محدود شخصیت می‌شود که با نیاز به احساسات و تجربه‌های متنوع بدیع و پیچیده، دست‌یازی به خطر جویی جسمانی و اجتماعی را تقویت می‌کند. این ویژگی شخصیتی بر ساختی است از چهار مولفه حادثه‌جویی، تجربه جویی، بازداری زدایی و ملال‌پذیری که با مصرف مواد مخدر ارتباط می‌یابد. در این وضعیت هیجان‌ها و رفتارهای پرخطر، عامل انگیزه‌ای قوی در ارتکاب جرم قلمداد می‌شوند، گرچه برخی افراد جذب لذت این گونه رفتارها می‌شوند. (۱۵) مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند: "توی زندگی امروز که همه جور خطری وجود داره و فردای آدم معلوم نیس. خوب ناس هم یک رفتاریه مثل بقیه رفتارها."، "ما که خیری از گذشته ندیدیم و آینده هم چه پیش آید. این ناس هم تنها دلخوشی ماس."، "به نظرم ناس یک تجربه جدید بود که می‌بایست امتحانش می‌کردم." این بازخوانی جوانان از زندگی حاصل ترکیب بدیعی است که نشان می‌دهد خطر متعلق به کسی است که به آینده نگاهی نا روشن و

نامعین دارد و به همان نسبت نیز از گذشته بیمناک است. (۱۶)
 ”ما چه چیزی از زندگی نصییمان شده که نگاهی هم به آینده داشته باشیم. تنها دل خوشی ما اینه دیگه.“

بسیار روشن است که پی جویی خطر، هیجان و لذت در ساختارهای جامعه مدرن، خود بدل به چالشی جدی برای مرزبندی لذت، هیجان خواهی مقبول و اخلاقی و تمایلات و لذت های خاص، به عنوان عمل انحرافی می گردد.

مقوله اصلی: ۲- عوامل اجتماعی

مقوله فرعی: ۲-۱- مشکلات خانوادگی: اختلال خانوادگی و ناسازگای والدین باهم، تاثیر نامطلوبی بر روی جوانان گذاشته و آنان را به سوی ارتکاب جرم و یا مصرف مواد سوق می دهد. در خانواده ای که تفرقه از کانون خانوادگی طرد نشده و جدایی حکومت می کند، جوان در اغلب موارد از محبت والدین خود محروم است، گرچه جوان به لحاظ روحی عادی به نظر می رسد؛ ولی باطنا افسرده و بی حوصله می گردد. اگر فرد در کانون خانواده رنگ آرامش، صفا و صمیمیت را نبیند، ناچار است در کوچه و خیابان به جستجوی آن بپردازد. (۱۷) با عنایت به ملاحظات چالش انگیز جوامع جدید مبتنی بر ”اختلافات خانوادگی“ و تقلیل روابط اجتماعی و ضعف پیوندهای ارتباط دهنده فرد با اجتماع، چنانچه به واشکافی دقیقتر این مفهوم بپردازیم، پی خواهیم برد که برخی از افرادی که در معرض آن گونه از روابط اجتماعی قرار دارند که از مصادیق عمده آن نبود رابطه و پیوند نزدیک با دیگران صمیمی است، بی شک چنین احساس ناپوستگی با محیط، احتمال درگیری در رفتارهای پرخطر را افزایش می دهد. فصل مشترک چنین گفتمانی را می توان در نبود تعاملات تفاهمی مابین اعضای خانواده های مصاحبه شوندگان دید. ”به ندرت یادم میاد تو خونه ما سر یه موضوعی بحثی بشه و سرش به توافق برسیم.“ در چنین ساختی از روابط، هر یک از اعضای خانواده واحد جداگانه ای دارند و زندگی خانوادگی عرصه ایست که در آن اعضا هیچ گونه مقصود و هدف مشترک ایجادکننده وابستگی، ندارند. (۱۸) ”وقتی هرکی سرش تو لاک خودش، چه دل خوشی می تونم به خانواده داشته باشم؟ شما باشی چی کار می کنی؟ تازه می گم من چقدر سربه راهم که به راه های دیگه کشیده نشدم.“

در توضیح این مطلب و هم عقیده با هرشیء، می توان اذعان نمود که هر چه وابستگی و تعلق افراد در ارتباط با یک زمینه اجتماعی مثبت (در اینجا خانواده) کمتر باشد، احتمال رخداد رفتار اجتماعی نامناسب از سوی آنان فروتر می شود. این رویکرد، در تئوری ”شبکه اجتماعی“ نیز قابل ردیابی است، زیرا توجه آن معطوف به روابط و حمایت های اجتماعی است. کارکرد بالقوه شبکه های اجتماعی فراهم نمودن حمایت اجتماعی است. یافته های برخی مطالعات نیز نمایانگر آن است

که هر چه افراد از خانواده حمایت اجتماعی بیشتری دریافت کنند، رفتارهای پرخطر کمتری را تجربه می کنند. بدیهی است که این وضعیت به سامان بخشی سازگاری اجتماعی فرد یاری خواهد رساند و در مقابل، کمبود یا نبود اقناع عاطفی به درهم شکستگی بیشتر روابط خانوادگی و تحلیل روابط عاطفی می انجامد. (۱۹ و ۳)

مقوله فرعی: ۲-۲- در دسترس بودن: یکی از درون مایه های اجتماعی به دست آمده از مصرف ناس در دسترس بودن این ماده است. این درون مایه با نظریه فرصت جرم قابل تبیین است. تفکر حاکم بر این نظریه آن است که به صرف وجود بزهکار و بزه دیده، جرم واقع نمی شود بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب آن نیز فراهم باشد. پس از دیدگاه این نظریه، نقش مثبت شرایط، زمینه ساز وقوع جرم و نقش منفی عوامل، مانع وقوع جرم است. با تاکید بر این دیدگاه می توان بیان کرد در دسترس بودن ناس فرصت مصرف آن را برای جوانان مهیا نموده است. مشارکت کنندگان اعتقاد داشتند که به دلیل در دسترس بودن، ناس در جامعه شیوع بالایی دارد. همچنین ارزان بودن و رواج آن بین دوستان باعث شده است که به راحتی در دسترس باشد. در ایران به علت قرار گرفتن بر سر راه ترانزیت مواد از افغانستان به سایر کشورهای دنیا، سهم نابرابری از خسارات مواد مخدر به مردم می رسد. (۳) اظهارات برخی مشارکت کنندگان: ”ناس همیشه در دسترسه، هر وقت می خوام میرم سر کوچه، یه کفاش افغانی اینجا بساط داره، یک بسته می گیرم، جدیداً خیلی باهام رفیق شده...“ - ”خدا رو شکر ناس افغانستان تمومی نداره! هر وقت میرم خیابون همه دست فروش ها ناس دارن و...“

مقوله فرعی: ۲-۳- تاثیر گرفتن از گروه همسالان: نخستین عامل موثر در بزهکاری نوجوانان، رابطه آن ها با دوستان

ناباب یا به بیان دیگر گروه همسالان است. جامعه‌شناسان با بررسی‌های متعدد در تمام زمینه‌های بروز آسیب‌های اجتماعی گروه همسالان، نشان داده‌اند که گروه دوستان و همسالان یا گروه‌های اولیه، نقشی تعیین‌کننده در بروز آسیب داشته‌اند، زیرا نوجوانان وقت خود را بیش از آنکه در کنار خانواده‌شان سپری کنند، با دوستان خود می‌گذرانند. این تعامل دائم و مستقیم باعث می‌گردد، همسالان تأثیرات قویتر و موثرتری نسبت به والدین و معلمان داشته باشند. با توجه به اینکه پدر و مادر به فرزندان خود امر و نهی می‌کنند، حال اینکه دوستان و همسالان صحبت‌هایشان حالت امر و نهی و نصیحت ندارد؛ به همین خاطر فرزند ناخودآگاه بیشتر به حرف‌های

همسال خود گوش می‌دهند تا خانواده. (۱۷) مشارکت‌کنندگان نیز نقش دوستان را در مصرف ناس بسیار پررنگ دانستند و تأکید کردند که حضور در جمع دوستان مصرف‌کننده ناس، بیشترین عامل گرایش آن‌ها به مصرف بوده است. (۲۰) جوان بیست ساله‌ای می‌گوید: "من بار اولی که سراغ ناس رفتم با دوستای زیادی رفته بودیم بیرون... بعدم فکر می‌کردم که اگه آدم خودش نخواد دوستا هیچ تأثیری نمی‌تونن روی آدم بذارن. بعد از چند بار که با دوستا رفتم بیرون بدون این که اونا بهم تارف کنن، خودم ناس می‌ذاشتم. منم بار اول و دوم شاید برام شوخی بود اما کم‌کم عادت کردم و دیگه بادوستام که بیرون می‌رفتیم دور از چشم خانواده ناس می‌داشتیم." بنابراین می‌توان با تأکید بر نظریه یادگیری اجتماعی اظهار نمود، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرآیند رابطه با افراد دیگر، به خصوص در گروه‌های کوچک آموخته می‌شود. باند ورا ۱۹۷۳ تأکید می‌کند که رفتار در نتیجه کنش متقابل بین شناخت و عوامل محیطی به وجود می‌آید. شخص می‌تواند با کمک فرآیند الگوسازی و با مشاهده رفتار دیگران، چه به صورت تصادفی و چه آگاهانه، یاد بگیرد. (۱۴)

بحث و نتیجه‌گیری

سال‌هاست که موضوع مواد مخدر به یکی از مهمترین مسائل اجتماعی در همه کشورها تبدیل شده است. در سال‌های اخیر ابعاد مسئله هم در سطح کشور ایران و هم در سطح جهانی به حد نگران‌کننده‌ای رسیده است. گفتگوها، پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی برای شناخت ابعاد مسئله و کنترل آن صورت گرفته است. در این میان، آسیب‌پذیرترین گروه جوانان هستند، که به دلیل بحران هویت، بحران‌های روانی ناشی از مشکلات اجتماعی، ماجراجویی، لذت‌جویی و تنوع‌طلبی بیش از سایر گروه‌های اجتماعی در معرض استفاده از مواد مخدر قرار می‌گیرند. مصرف مواد مخدر و اعتیاد در سال‌های اخیر در ابعاد گسترده‌ای گریبانگیر جوانان ایران شده است. یکی از انواع این اعتیاد، اعتیاد به ناس می‌باشد. این پژوهش باهدف واکاوی علل گرایش جوانان شهر کرمان به مصرف ناس انجام شده است. نتایج این مطالعه در بررسی تجربیات استفاده‌کنندگان، به دو درون مایه اصلی و شش درون مایه فرعی دست یافت. اولین مقوله مورد بررسی در مورد مصرف ناس در بین جوانان جذابیت‌های حسی بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان علت مصرف ناس را آرام بخش بودن و شادی‌آور بودن آن ذکر کرده بودند. این نتیجه نشان دهنده ضعیف بودن مهارت‌های حل مسئله و مقابله با مشکلات در زندگی است. با توجه به اینکه استفاده از ناس حل‌کننده مشکل نیست، بنابراین آموزش مهارت‌های حل مشکل و پیشگیری از اعتیاد به ناس می‌تواند در کاهش مصرف موثر باشد. نتایج مطالعه حاضر نشان داد، یکی از دلایل مصرف ناس در بین جوانان شهر کرمان ریسک‌طلبی و هیجان‌خواهی بود. (۲۱) بنابراین باید گفت برخی از رفتارهای انحرافی به‌وسیله تأثیر بر منابع اجتماعی موجب فراهم آوردن شرایطی از قبیل ارضا حس کنجکاوی و ریسک‌پذیری برای فرد می‌شوند که به نوبه خود به افزایش لذت‌های ناشی از انجام این رفتارها در مقابل هزینه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌انجامد. جوانانی که برای مصرف ناس گرد هم می‌آیند، لذت و هیجانی از انجام این رفتار کسب می‌کنند، که مکانیسمی برای ابراز وجود و تشخیص‌یابی‌شان است. از این منظر، سیگار از سازوکارهای پیش روی برای برداشتن منع‌های اجتماعی است. (۲۲)

سومین عامل مصرف ناس از دیدگاه مشارکت‌کنندگان باورهای غلط در زمینه مصرف این ماده بود. در بیشتر مطالعات مشابه نیز مشارکت‌کنندگان اعتقاد داشتند که مصرف مواد، ضرر جدی برای سلامت آن‌ها ندارد. این نتیجه تحقیق با نتایج تحقیق مصطفی پور و یزدان پناه همخوان و همسو است. بنابراین باید اظهار نمود مصرف‌کنندگان این ماده نمی‌دانند که تباکو خود به‌تنهایی سرطان‌زاست. حال وقتی این ماده با آهک نیز مخلوط می‌شود، اثرات مخرب شدیدتری را بر سلامت مصرف‌کننده می‌گذارد و از طرف دیگر با مصرف آن وجهه اجتماعی آنان شدیداً تنزل پیدا کرده

یکی از مواد مخدر بدون دود ناس است که جذابیت‌های حسی، باور غلط، ریسک و هیجان خواهی، مشکلات خانوادگی، در دسترس بودن، ارزان بودن و تاثیر پذیری از همسالان، دلایل اصلی استفاده از آن در بین جوانان شهر کرمان بود. بنابراین بر اساس نتایج به دست آمده توصیه می‌شود که مسئولین کشوری به این مشکل به صورت یک فوریت و اولویت بهداشتی توجه نمایند و ضمن استفاده از روش‌های موثر جهت آموزش و آگاه نمودن جامعه و خانواده‌ها از عوارض مصرف ناس به برنامه‌ریزی جهت فراهم نمودن سرگرمی‌های مطلوب و در دسترس برای جوانان، افزایش شادی در محیط نوجوانان و برنامه‌ریزی در جهت فرهنگ‌سازی منع مصرف ناس بپردازند.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله نویسندگان از جوانان به واسطه اعتماد و به اشتراک گذاشتن تجارب زندگی خود، صمیمانه تشکر و قدردانی به عمل می‌آورند.

و اختلالات روحی روانی شدیدی نیز در آن‌ها بروز می‌کند. (۲۳) یکی از درون‌مایه‌های عوامل اجتماعی موثر بر مصرف ناس مشکلات خانوادگی بود. مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که اختلافات والدین و عدم توجه به آن‌ها زمینه ساز مصرف این ماده شده است، زیرا منش کودک‌آینه تمام‌نمای روش تربیتی والدین است و سازگاری و یا ناسازگاری کودک بستگی مستقیم به تربیت و پرورش و زمینه‌سازی پدر و مادر دارد. والدین زمانی در محیط خانوادگی، موفق به ایجاد یک محیط سالم و مناسب خواهند شد که تفاهم و هماهنگی لازم را در اداره کانون خانوادگی و تربیت فرزندان داشته باشند. اگر کانون خانواده به علت اغتشاش، بحث و مجادله خالی از دوستی و صمیمیت باشد، وجود والدین به اندازه فقدان آن‌ها بر روحیه کودک و اخلاق وی لطمه می‌زند. در همین راستا، چشم‌انداز تعاملی سی‌گل ۲۰۰۱، روابط عمیق اجتماعی افراد به‌ویژه در ساحت‌های خانوادگی را در تحلیل‌هایش در مصرف ناس موثر می‌یابد. پیس ۲۰۰۱ نیز همین‌گونه نتیجه‌گیری کرده که پی‌آمد گسستن پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی، فقدان مشارکت و گم کردن هدف است. (۵) در دسترس بودن ناس از دیدگاه جوانان نیز یکی از عوامل موثر بر مصرف آن بود. این نتیجه با پژوهشی که به منظور، تعیین علل گرایش به قلیان بر روی دانشجویان انجام شده هم‌خوانی دارد زیرا مشارکت‌کنندگان ابراز داشتند که ارزان و در دسترس بودن، یک عامل مهم در مصرف است. (۲۵) مقوله دیگر، تاثیر گرفتن از گروه همسالان و دوستان بود و نشان داد، فرد اگرچه نخواهد از دوستان تاثیر بگیرد، همنشینی و رفت و آمد با آن‌ها تاثیرگذار خواهد بود. این نتیجه با نتایج تحقیقات حسن نژاد و میر غضنفری، همسوس است. بنابراین برای برطرف کردن این مشکل، خانواده باید نقش خود را بهتر و بیشتر ایفا کند. یعنی پدر و مادر بر روی فرزندان خود نظارت و کنترل بیشتری داشته باشند. همچنین خود فرد نیز باید از دوستی با افراد ناباب خودداری کند و این نکته را به یاد داشته باشد که فرد از دوستان خود، خواسته یا ناخواسته تاثیر می‌پذیرد. (۲۴)

References:

1. Riahi ME, Aliverdiniya A, Soleimani M. High school students Ghaemshahr attitude toward smoking. Iranian journal of epidemiology. 2009; 5(3): 44- 54. [Persian].
2. Tavasoli GH, Dadhir A. The relationship of knowledge and politics in a risky society: sociological reflection on the formation of supervisory societies in the present age. Journal of sociology of Iran. 2009; 10(4): 22-42. [Persian].
3. Chalpi M. Social analysis in the space of action. Tehran: Ney. 2014: 3-24. [Persian].
4. Habermas J. The theory of communicative action. Beacon press. 1985: 130-52.
5. Giddens A. The constitution of society: outline of the theory of structuration. John Wiley & Sons. 2013: 225-36.
6. Castells M. The rise of the network society (the information age: economy, society and culture. John Wiley & Sons. 2011: 120-5.
7. Salimi S, AliPour S, Abbasi M, Khordpour L. Qualitative research on the causes of tendency of adoles-

- cents in Uremia to cigarette. *Advances in nursing and midwifery*. 2006; 5(4): 43-57. [Persian].
8. Taraghijah S, Hamdieh M, Yaghobi N. Predictors of smoking and hookah smoking in governmental university students. *Research in medicine. The quarterly journal of medical sciences Shahid Beheshti university*. 2010; 34(4): 249-56. [Persian].
 9. Mahmoudi G, Amiri M, Jahani MA, Hajibeklou E. Study on mental health and life quality of addicted referred to DIC and MMT centers in Sari Iran. *Journal of healthcare management* 2012; 8(1): 7-17. [Persian].
 10. Saiedi AA, Dibachi Froshani S, Firoozabadi A. Sociological factors influencing smoking among women and girls in Tehran. *Iranian journal of social problems*. 2011; 1(4): 73-92. [Persian].
 11. Aliverdinia A, Riahi M, Soleimani M. Sociological explanation of smoking tendency. *Journal of the faculty of literature and humanistic*. 2008; 61: 161-88. [Persian].
 12. Karimi M, Niknami Sh, Heidarnia AR, Hajizadeh A. The study of knowledge, attitudes and patterns of tobacco use in adolescents Zarandieh city. *Journal of Fasa university of medical sciences*. 2011; 1(3): 142- 8. [Persian].
 13. Taremian F. Prevalence of narcotic drugs among students in Tehran and the study of risk factors and protective. *Tehran office of advisor center for student affairs ministry of science and technology research*. 2006: 23-5. [Persian].
 14. Hajihasani M, Shafiabadi A, Pirsaghi F. Predict of addiction tendency based on the degree of aggression and self-expression in students. *Journal of research on addiction*. 2011; 5(20): 41-55. [Persian].
 15. Mohammadi SY. Motivation and excitement. *Tehran: Virayesh*. 2015: 35-40. [Persian].
 16. Ameli S. Two globalizations and an international community of anxiety. *Journal of social science*. 2003; 21: 143-74. [Persian].
 17. Zakaie M. Cultural criminology and youth. *Journal of sociology of Iran*. 2012; 13(1): 58-83. [Persian].
 18. Moghadam S. A pathological look at the attractiveness of smoking in women. *Journal of Gozaresh*. 2008; 17(201): 32-3. [Persian].
 19. Chalpi M. *Sociology of order: a theoretical and social analysis*. Tehran: Ney. 2016: 122-31. [Persian].
 20. Jafri F, Aminzadeh M. Prevalence and factors associated with smoking among students at the university of Art Tehran. *Journal of Ebnesina*. 2011; 14(3): 28-33. [Persian].
 21. Serajzade H, Feyzi I. Narcotics outbreak among students of state universities. *Tehran*. 2005; 6(25): 85-110. [Persian].
 22. Mehrabizadeh M, Fathi K, Shahni Yalagh M. Study depression, excitement, aggression, attachment styles and socioeconomic status as predictors of drug addiction in adolescents in Ahvaz city. *Journal of educational sciences and psychology*. 2009; 15(1): 153-78. [Persian].
 23. Ghasemi E. From women's addiction to family disruption. *Women strategic studies*. 2003; 6(22): 1-22. [Persian].
 24. Sedigh Sarvestani R. The meta-analysis of studies on social pathology in Iran. *Journal of social sciences*. 2001; 2(15): 103-1567. [Persian].
 25. Taraghijah S, Hamdiyeh M, Yaghoobi N. Predictive factors of cigarette and hookah smoking among students of state universities in Iran. *Pajouhesh Dar Pezeshki*. 2010; 34(4): 249-256. [Persian].